

رابطه راهبردهای کنترل تعارض و سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین

سعید شایوسی زاده^۱، مجید درویشی^۲، فرامرز خان محمدی^۳، منوچهر نظری^۴، الهام فتحی^۵

۱. گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول).
۲. عضو هیئت علمی دانشگاه بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران.
۳. گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.
۴. گروه مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، واحد تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۵. گروه روانشناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

مجله پیشرفت‌های نوین در علوم رفتاری، دوره چهارم، شماره سی و هفتم، آبان ماه ۱۳۹۸، صفحات ۲۸-۱

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه راهبردهای کنترل تعارض و سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین شهر سرپل ذهاب بود. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. نمونه آماری این پژوهش عبارت است از تعداد ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ زوج) که ناچار بر اساس وضعیت موجود آماری آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، از مراکز مشاوره شهر سرپل ذهاب هستند که در سال ۱۳۹۸ به این مراکز مراجعه داشتند، انتخاب گردیدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه سخت رویی اهواز (۱۳۷۷)، راهبردهای کنترل حل تعارض موری و اشتراک (۱۹۹۰) و سردمزاجی عاطفی رازقی (۱۳۸۷) است. نتایج پژوهش با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی و رگرسیون نشان دادند که بین راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد بین راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه مثبت معنی‌داری وجود دارد. بین راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی‌داری وجود دارد. بین سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده می‌شود. متغیر سخت رویی با ضریب بتای ۰/۳۴ و متغیر راهبرد استدلال جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۳۱ می‌توانند به‌طور منفی و معنی‌داری متغیر راهبرد پرخاشگری کلامی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۴ و متغیر راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۲ می‌توانند به‌طور مثبت و معنی‌داری سردمزاجی عاطفی زوجین را پیش‌بینی کنند. در عصر حاضر به دنبال تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی، اساس روابط زناشویی و خانواده تا حدی ضعیف شده است. ضعیف شدن روابط زناشویی، باعث تضعیف ازدواج، روابط و ناهنجاری‌های درون خانواده می‌شود و همین امر باعث به هم خوردن روابط خانواده‌ها و در نهایت بروز انحرافات کوچک و بزرگ، درون خانواده‌ها شده است.

واژه‌های کلیدی: راهبردهای کنترل تعارض، سخت رویی، سردمزاجی عاطفی.

مقدمه

خانواده یک نظام اجتماعی و از ارکان جامعه به نوعی کوچکترین سلول اجتماع است، ارتباطات اعضای خانواده از جمله رابطه زوجین باهم و کاهش میزان دلزدگی زناشویی شان نه تنها می تواند زمینه ساز ارضاء نیازها و رشد روانی زوجین و احساس خوشبختی گردد، بلکه در سایه رابطه سالم توأم با رضایت زوجین، روبرو شدن با مشکلات و چالش های زندگی، آسان تر و فرزندان سالم و مفید به حال اجتماع تربیت و تحویل جامعه داده می شوند؛ سردمزاجی زناشویی به علت ناکامی در عشق بروز می کند و پاسخی است در برابر مسائل وجودی انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش های کوچک، به بروز سردمزاجی زناشویی کمک می کنند؛ سردمزاجی یک روند تدریجی است و به ندرت به طور ناگهانی بروز می کند. در واقع صمیمیت و عشق به تدریج رنگ می بازد و به همراه آن احساس خستگی عمومی عارض می شود. در بیشترین نوع آن، این سردمزاجی باعث فروپاشی رابطه می شود. دلزدگی طبق تعریف، از پافتادگی جسمی، عاطفی و روانی است که ناشی از عدم تناسب مزمن بین انتظارات و واقعیت است (شیری، ۱۳۹۶). خانواده جوهره ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرح دار با یکدیگر یک کل را سازمان دهی می کند و در طول زمان و مکان گسترش می یابد. خانواده را می توان یک واحد عاطفی و شبکه ای از روابط درهم تنیده ای دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد بنانهاد می شود. شکست در برقراری ارتباط یکی از مشکلاتی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می شود. تعاملات و ارتباط های نامناسب که زوجین درگیر آن می شوند در همان چند سال نخست ازدواج منجر به افزایش پرخاشگری زبانی و بدنی می گردد. متأسفانه بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمانه باهم مشکل دارند. ارتباط زناشویی فرایندی است که طی آن زوجین به صورت کلامی و غیر کلامی به تبادل احساسات و افکار می پردازند. عمق صمیمیتی که افراد در رابطه خود ایجاد می کنند به میزان زیادی بستگی به توانایی آنان برای ارتباط دقیق، مؤثر و روشن با افکار، احساسات، نیازها، خواسته ها و تمایلاتشان دارد؛ بنابراین یادگیری چگونگی ارتباط کارآمد نخستین گام

در فرآیند ایجاد یا افزایش صمیمیت در هر رابطه‌ای به شمار می‌رود. توجه به انواع ارتباطات زوجین می‌تواند اطلاعات چشمگیری به مشاوران و درمانگران در زمینه کار با زوجین دهد (کاچلین^۱، ۲۰۱۶).

رابطه ضعیف در ارتباط عاطفی زن و شوهر به سردی روابطی که یک زوج می‌توانند باهم داشته باشند منجر می‌شود، مانند رابطه روحی، جسمی، عاطفی و حتی کلامی، وجود این مشکل در یک رابطه باعث بی‌مهری و کم شدن محبت در خانواده و در نتیجه طلاق عاطفی می‌شود. زوجها در بیگانگی کلمات و احساس یکدیگر گم شده‌اند و فقط برای هم حکم یک مصاحب که به او عادت کرده‌اند را دارند این افراد از لحاظ روحی و جسمی از یکدیگر فاصله می‌گیرند و مرزهایی را برای همدیگر مشخص کرده‌اند و هرکدام در خلوت و افکار خود دیگری را متهم می‌کنند و دنبال مقصر هستند، درک نکردن صحیح رفتار و گفتار یکدیگر، نداشتن شناخت کافی از روحیات طرف مقابل و عاقبت بی‌علاقگی و سردی نسبت به شریک زندگی خود، دست‌به‌دست هم می‌دهد تا یک طلاق عاطفی را در زندگی زوجها به وجود بیاورد. هیچ آمار دقیقی از میزان وجود طلاق عاطفی در دست نیست ولی می‌توان به جرأت گفت آمار طلاق عاطفی در کشور ما از طلاق قانونی بیشتر است (بخشنده، ۱۳۹۷). طلاق عاطفی باعث می‌شود میزان اعتماد افراد به یکدیگر کم شده و نسبت به یکدیگر دچار سوء تفاهم شوند افراد خانواده مدام دچار اشتباه شده و به دلیل نداشتن تکیه‌گاه جدی در زندگی احساس یاس و سرخوردگی می‌کنند و با انواع بیماری‌های روانی و روحی دچار می‌شوند. از یک سو زنانی قرار دارند که در این زندگی صاحب فرزند بوده و فاقد پشتوانه و حمایت مادی و معنوی هستند و امکان تأمین معاش خود را ندارند؛ بنابراین ناچارند با وضعیت موجود سازگاری کنند و به‌رغم بی‌مهری و بی‌توجهی شوهر به سقف مشترک زناشویی در کنار فرزندان تن دهند و از سوی دیگر مردانی هستند که استطاعت پرداخت مهریه را ندارند، بنابراین تحمل شرایط موجود را ترجیح می‌دهند اما غافل این‌که هر یک برای پر کردن خلأهای عاطفی خود، فرد دیگری را جایگزین کرده‌اند. در طلاق عاطفی زوجین هیچ‌گونه حس، نشاط و درک متقابلی ندارد و در واقع

^۱ Cauchlin

به اجبار زیر یک سقف زندگی می کنند ممکن است خانمی به دلیل فشار اقتصادی و این که شغل و درآمدی ندارد مجبور است با همسرش زندگی کند. مادر همواره از دوری فرزندش نگران است و این که در صورت جدا شدن ممکن است فرزندش را از او بگیرند یا فرزندش آسیب می بیند، بنابراین به دلیل فرهنگ جامعه یا حتی فشار خانواده نمی تواند طلاق بگیرد، در چنین خانواده ای زوجین مجبورند بدون این که تفاهمی داشته باشند زیر یک سقف زندگی کنند؛ بنابراین اختلافات بین زوجین به تدریج باعث دوری و سرخوردگی آنها شده و طلاق عاطفی پیش می آید بسیاری از مواد طلاق عاطفی منجر به طلاق قانونی می شود. از مهم ترین راهکارها برای درمان مشکل طلاق عاطفی میان طرفین، مراجعه به مشاوره و طی کردن جلساتی برای معالجه فردی برای درمان روحی و روانی و جلساتی برای معالجه دو نفره با حضور طرفین برای ترمیم روابط بین آنها است. (قمرانی، ۱۳۹۳).

تعارضات زناشویی و طلاق، تهدیدهایی جدی برای واحد زناشویی هستند که ثبات و کیفیت ازدواج را به چالش کشیده و باعث بروز پیامدهای منفی روانی، جسمانی، اجتماعی و اقتصادی می شوند. تأثیر منفی بر سلامت جسمانی، افسردگی و بهره وری پایین در کار از جمله این پیامدها برای بزرگسالان به شمار می رود. علاوه بر آن، تعارضات زناشویی برای فرزندان نیز عواقب منفی شدیدی دارند. احتمال بالای بروز اختلالات منش، اضطراب، افسردگی و بزهکاری نوجوانی، بروز مشکلات مدرسه ای زیاد (تحصیلی و رفتاری) برای نوجوانان، ازدواج ناموفق و تکرار الگوهای یاد گرفته شده از زندگی والدین مثال هایی از این پیامدها هستند. تعارض در روابط وقتی بروز می کند که رفتار یک شخص با توقعات شخص دیگر جور در نیاید. یکی از مشکلات شایع در خانواده، تعارض زناشویی است. تعارض در روابط صمیمی امری طبیعی است و ازدواج از این قاعده مستثنی نیست زیرا تعاملات مکرر و مختلف زوجین زمینه ای بی شماری را برای تعارض فراهم می کند (آماتو^۱، ۲۰۱۵).

^۱Amato

کومینگز^۱ (۲۰۱۲) بیان کرد که راهبرد روابط زوج‌ها بخصوص هنگامی که به تعارض می‌پردازند، می‌تواند در طول مدت ازدواج به‌عنوان شاخص قوی برای احساس رضایتمندی زوجین در ازدواج مطرح شود، وی همچنین ادعان کرد که طبقه‌بندی در زیرمجموعه‌ی تعارض از آنچه آن‌ها جروبحث می‌کنند، ناشی نمی‌شود بلکه از اینکه چطور وقتی جروبحث می‌کنند واکنش نشان می‌دهند، ناشی می‌شود. اختلاف و گفتگو طبیعی است و راهبردهای حل تعارض "CTS"^۲ تأثیر مثبتی بر روابط دارند. راهبردهای کلامی سازگارانه و مستقیم به زوج‌ها کمک می‌کند تا موضع‌گیری مثبتی داشته باشند احساسات و موقعیت‌ها را نشان دهند، در جستجوی موافقت طرف مقابل باشند، باهم بر روی مسائل به توافق برسند و به یکدیگر اعتماد کنند (کاناری^۳ و کاپچ^۴، ۲۰۱۱). در نتیجه آن‌ها قادرند احساس موفقیت حاکی از تسلط بر مشکلات را به یاری هم و درحالی‌که در یک گروه قرار گرفته‌اند، تجربه کنند (کلترن^۵، ۲۰۱۰). مهارت‌های ارتباطی خوب یکی از مهم‌ترین عوامل رضایت و خشنودی در روابط زناشویی است. درواقع اگر زوج‌ها یاد بگیرند که چطور ارتباط مؤثر برقرار کنند، شانس بیشتری دارند که رضایتمندی را تجربه کنند. افرادی که رفتارها و واکنش‌های مثبت را هنگام گفتگوها و در حین پرسیدن جزئیات گفتگو نشان می‌دهند، نگرانی‌شان واقعی است. واکنش‌های مثبت، معمولاً موجب سرزندگی، شادابی و هیجان و جذابیت و جالب بودن روابط می‌شود (استافورد^۶، ۲۰۱۴). ارتباطات مؤثر، موجب شکوفایی هویت و کمال انسان و مبنای اولیه‌ی پیوند وی با دیگران و بهبود کیفیت روابط افراد می‌شود درحالی‌که ارتباطات غیر مؤثر مانع شکوفایی انسان شده و روابط را تخریب می‌کند. بنابراین، اساس زندگی و خوشبختی انسان را همین ارتباط‌های میان فردی تشکیل می‌دهد (وود^۷، ۲۰۱۱). ارتباط دلپذیر زوجین این

¹ Cummings

² conflict tactic scale

³ Canary

⁴ Cupach

⁵ Coltrane

⁶ Stafford

⁷ Wood

امکان را می‌دهد که با یکدیگر به بحث و تبادل نظر پردازند. پژوهشگرانی که در مورد راهبردهای ارتباطی تحقیق می‌کنند به سه الگوی انتقاد- دفاع، کمرو- سلطه‌پذیر و مسلط- کنترل‌کننده دست یافته‌اند (باس^۱، ۲۰۱۰). نتایج تحقیقات نشان می‌دهد زوج‌های سازگاری که به اعمال مثبت همسران خود ارج می‌نهند راحت‌تر می‌توانستند اعمال منفی آن‌ها را تحمل کنند؛ در مقابل زوج‌های ناسازگار بیشتر به موارد منفی فکر می‌کردند و زمان زیادی را صرف توجه به جنبه‌های ناخوشایند همسران خود می‌کردند و در درک ویژگی‌های جبران‌کننده و مثبت آنان، مشکل داشتند. این مطالعات نشان داد، افرادی که دارای روابط خوب هستند می‌دانند که چگونه به نکات مثبت طرف مقابل خود ارج نهند (برادبوری^۲، ۲۰۱۳). اگر زوج‌ها گفتگوهای مستقیم و سازگارانه داشته باشند، بهترین برآیند کیفیت ازدواج را دارند، نتایج بهتری را تجربه کرده و قادرند که احساس موفقیت و تسلط بر مشکلات به یاری هم و درحالی‌که در یک گروه قرار گرفته‌اند درک کنند. چنین گفتگوهایی، مثبت یا منفی می‌تواند در کیفیت ازدواج مؤثر باشد (کروک^۳، ۲۰۱۳).

همه‌ی زوج‌ها، در جریان روابطشان با مسائل و مشکلاتی روبرو می‌شوند این مسائل می‌تواند شدید یا خفیف، کوتاه‌مدت یا درازمدت باشد و از علل مختلفی سرچشمه بگیرد. زوج‌ها لازم است که توانایی برطرف کردن موانع را داشته باشند و عدم توافق‌ها را حل کنند و تفاوت‌های خود را بپذیرند. زوج‌های نابسامان به‌طور کلی تعامل‌های مثبت کمتری دارند و در برابر رفتار منفی شریک زندگی‌شان بیشتر با رفتارهای منفی پاسخ می‌دهند. همه‌ی زوج‌ها در طول زندگی خود زمانی دچار مسائل و مشکلاتی می‌شوند، تعارض و کشمکش بین زوج‌ها به نظر می‌رسد که طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است و ضرورتاً منشأ آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های دیر پا نیست. بسیاری از زوج‌ها خیلی زود در طی روابطشان متوجه می‌شوند که نه‌تنها می‌توانند تفاوت‌هایی را که با شریک زندگی خود دارند، تحمل کنند؛ بلکه اغلب این تفاوت‌ها برایشان شوق‌انگیز می‌شود و به دلیل وجود این تفاوت‌ها بیشتر جذب شریک زندگی‌شان می‌شوند و کشش

¹ Boss

² Bradbury

³ Krok

بیشتری به او پیدا می‌کنند. زوجین به‌مرور زمان تحمل خود را نسبت به تفاوت‌هایشان از دست می‌دهند. زوجینی که در روابط باهمسرشان دچار تعارض هستند باید با جنبه‌هایی از خود و شریک زندگی‌شان که از حیثه‌ی آگاهی آن‌ها دور شده است مواجهه شوند (قره‌باغی، ۱۳۹۵).

سردمزاجی عاطفی به سردی رابطه میان زن و شوهر گفته می‌شود در واقع در این رابطه ضعف ارتباط عاطفی زن و شوهر منجر می‌شود به سردی تمامی روابطی که یک زوج می‌توانند باهم داشته باشند مانند رابطه روحی، جسمی، عاطفی و حتی گفتاری. وجود این مشکل در یک رابطه باعث بی‌مهری و کم شدن انرژی مثبت در خانواده می‌شود زوج‌ها در بیگانگی دنیای یکدیگر گم شده‌اند و فقط برای هم حکم یک هم‌خانه یا یک مصاحب که به او عادت کرده‌اند را دارند. این افراد بافاصله‌ای که از لحاظ روحی و جسمی با یکدیگر دارند خط قرمزهایی را برای همدیگر مشخص کرده‌اند و هر کدام در خلوت خود دیگری را متهم می‌کند. درک نکردن صحیح از رفتار و گفتار یکدیگر، نداشتن شناخت کافی از روحیات طرف مقابل و عاقبت بی‌علاقگی و سردی نسبت به شریک زندگی خود همه و همه دست‌به‌دست هم می‌دهد تا یک سردمزاجی عاطفی را در زندگی زوج‌ها به وجود بیاورد. هیچ آمار دقیقی از میزان وجود سردمزاجی عاطفی در دست نیست ولی می‌توان به جرأت گفت آمار سردمزاجی عاطفی در کشورها از طلاق قانونی بیشتر است (قمرانی، ۱۳۹۳). سردمزاجی عاطفی معمولاً از شکایت و گله‌گذاری زوج‌ها نسبت به هم شروع می‌شود. انتظاراتی که گفته می‌شود ولی برآورده نمی‌شود در واقع نیازهای دو طرف از یکدیگر تأمین نمی‌شود. به نیازها و خواسته‌های دیگری اهمیت داده نمی‌شود طوری که انگار زن و شوهر یکدیگر را می‌بینند ولی صدای هم را نمی‌شنوند و این مرحله آغازین شروع سردمزاجی عاطفی است. در مرحله بعد نزاع زناشویی رخ می‌دهد انتظاراتی که قبلاً به آرامی مطرح می‌شد حالا با صدای بلند و دادویداد بیان می‌شود و آرامش نسبی جای خود را به خشم می‌دهد؛ خشمی که خود را به شکل‌های گوناگون نشان می‌دهد. خشم درونی تبدیل می‌شود به صدای بلند، پرتاب کردن وسایل و برخورد فیزیکی با توهین و تحقیر. پس‌از این مرحله اختلاف‌ها بیشتر شده و دیوار سکوت مابین زن و شوهر قرار می‌گیرد و این به

معنای نشنیده شدن و ندیده گرفتن است یعنی هر دو در مقابل یکدیگر ناتوان شده‌اند و هرکس به دنیای درونی خود فرو می‌رود و دیگر اهمیتی به طرف مقابل نمی‌دهد که کار به جایی می‌رسد که برای یکدیگر تنها و تنها حکم یک هم‌خانه را بازی می‌کنند و حتی جای خواب خود را از یکدیگر جدا می‌کنند (سودانی، شهریاری و شفیع‌آبادی، ۱۳۸۸).

مفهوم سخت رویی ریشه در فلسفه وجود دارد. در اواخر دهه‌ی ۱۹۷۰ برخی از روانشناسان فلسفه وجودی در تبیین نظریه تحول از این دیدگاه به مفهوم سخت رویی رسیدند؛ و سخت رویی که از نظر فلسفی کم‌ویش با واژه‌های چون شهود، جسارت، بی‌پروایی، شهامت و پامردی وجه اشتراک دارد توسط سوزان کوباسا^۱ (۱۹۹۷) معرفی و توسط همکارانش گسترش یافت. در واقع سخت رویی نوعی سبک شخصیتی است که از مجموعه‌ای از صفات روانی تشکیل شده است. برای افراد سرسخت حوادث و فعالیت‌های روزمره، چالش‌انگیزاند، آن‌ها تجربه‌های زندگی را سرشار می‌دانند و برخورد با آن‌ها را آموزنده تلقی می‌کند. این در حالی است که بسیاری از مردم رویارویی با حوادث زندگی را خسته‌کننده، ملال‌آور یا حتی تهدید آفرین تلقی می‌نمایند. افراد سرسخت نسبت به رویدادهای زندگی احساس کنترل بیشتری می‌نمایند و رویدادهای محیط را به گونه‌ای معنادار ارزیابی می‌کنند در حالی که افراد غیر سخت نسبت به رویدادهای زندگی دچار احساس از خود بیگانگی، ناتوانی و تهدید می‌گردند. یقیناً چنین نگرشی در شیوه‌ی ارزیابی شناختی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (بیاض، ۱۳۹۰). هاشمی و اصغری ابراهیم‌آباد (۱۳۹۵) نقش سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض را مورد بررسی قرار دادند و سواد عاطفی و حل تعارض پیش‌بینی کننده‌ی طلاق عاطفی هستند. سواد عاطفی نیز حل تعارض را پیش‌بینی می‌کند. متغیر حل تعارض در رابطه‌ی بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای دارد؛ بنابراین می‌توان گفت که زوجین در اثر ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند؛ بنابراین بررسی میزان سواد عاطفی زوجین و همچنین شناسایی سبک‌های حل تعارض زوجین درک بهتری از سبب‌شناسی پدیده‌ی طلاق عاطفی در زوجین فراهم

^۱ Kobassa

می‌آورد. در تحقیقی که توسط قمرانی (۱۳۹۳) انجام شد نتایج نشان داد که عشق نقشی مهم در رضایت زناشویی دارد و عشق و اعتماد بین همسران نخستین انگیزه در سازگاری و حل تعارضی بوده است. عشق به همسر زیربنای رضایت از زندگی را تشکیل می‌دهد و رضایت زناشویی یک ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی یا رابطه عاشقانه کنونی فرد است. پژوهشی با عنوان مطالعه طولی در مورد مشکلات زناشویی و طلاق ناشی از آن به وسیله آماتو و پوال^۱ (۲۰۱۵) در آمریکا به روش پانل (مطالعه طولی) انجام گرفت. مطالعات آن‌ها نشان داد که مشکلات نکاحی؛ مثل خیانت جنسی، حسادت، نوشیدن الکل، ولخرجی در پول، بد اخلاقی، عدم ارتباط و عصبانی بودن میزان طلاق را افزایش می‌دهند. در این میان رابطه جنسی نامشروع پیش‌بینی کننده قوی برای طلاق بود. بارون^۲ و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که ناخشنودی زناشویی والدین در قیاس با طلاق اثر مخرب‌تری بر کیفیت ازدواج و تعامل زناشویی فرزندان دارد. مطالعه‌ی پاترسون و همکاران^۳ (۲۰۱۳) نشان داد که تعارضات زناشویی و طلاق به‌عنوان عوامل تنش‌زا در تبیین رفتارهای بزهکارانه مزمن در بین نوجوانان بشمار می‌آیند. نتیجه پژوهش کاردو^۴ (۲۰۱۳) که با تعیین رابطه بین جنسیت در الگوی ارتباطی کناره‌گیری و تعارض زناشویی بین نمونه‌ای شامل ۳۴ زوج صورت گرفت نشان می‌دهد که فقط کناره‌گیری شوهر به نارضایتی هم‌زمان ارتباط دارد. بنابراین مسئله اصلی در این تحقیق بررسی نقش واسطه‌ای سخت رویی در ارتباط بین راهبردهای کنترل تعارض و سردمزاجی عاطفی زوجین شهر سرپل ذهاب است. در واقع سؤال اصلی پژوهش این است که آیا سردمزاجی عاطفی توان پیش‌بینی راهبردهای کنترل تعارض و سخت رویی زوجین را دارند؟

¹ Amato & paul

² Baron

³ Patterson et al

⁴ Kardoo

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف کاربردی و شیوه اجرا از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین شهر سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۸ است که البته در هیچ مرجع رسمی یا حتی سازمان‌های حمایتی ذی‌ربط آمار دقیقی از این گروه در دست نیست. نمونه آماری این پژوهش عبارت است از تعداد ۲۰۰ نفر از زوجین (۱۰۰ زوج) که ناچار بر اساس وضعیت موجود آماری آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، از مراکز مشاوره شهر سرپل ذهاب هستند و زوجین در سال ۱۳۹۸ به این مراکز مراجعه داشتند، انتخاب گردیدند. ملاک ورود این افراد کسانی بودند که حداقل یک سال از زندگی مشترکشان گذشته بود و به‌صورت کاملاً داوطلبانه و اختیاری تمایل به پاسخ دادن به پرسشنامه‌های پژوهش را داشتند.

ابزارهای پژوهش

۱) پرسشنامه‌ی سخت رویی اهواز (۱۳۷۷): این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی مداد-کاغذی است که دارای ۲۷ ماده است. این پرسشنامه به‌وسیله تحلیل عوامل نجاریان، کیومرثی و مهرابی زاده هنرمند (۱۳۸۳) اعضاء حیات علمی گروه روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز ساخته شده است. در سال ۱۳۷۷ بر روی یک نمونه ۵۲۳ نفری از دانشگاه آزاد اسلامی اهواز اعتبار یابی شد که سرسختی را موردسنجش قرار می‌دهد. این آزمون یک نمره کل از سرسختی افراد می‌دهد و فاقد مؤلفه‌های تعهد، کنترل و مبارزه‌جویی است. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه ۲۷ ماده‌ای به این صورت است که آزمودنی‌ها به یکی از چهار گزینه‌ی هرگز، بندرت، گاهی اوقات و اغلب اوقات پاسخ گفته و بر اساس مقادیر ۰، ۱، ۲، ۳ نمره‌گذاری می‌شود. به‌جز ماده‌های ۲۱، ۱۷، ۱۳، ۱۰، ۷، ۶ که در این پرسشنامه نشان‌دهنده سرسختی روان‌شناختی بالا در افراد است. نجاریان و همکاران برای سنجش پایایی مقیاس AHI از دو روش بازآزمایی و همسانی درونی استفاده کرده است. ضریب همبستگی بین آزمون و آزمون مجدد بافاصله زمانی ۶ هفته در نمونه ۱۱۹ نفری برای آزمودنی‌های دختر و پسر به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۵ گزارش شد و در روش همسانی درونی پرسشنامه سرسختی روان‌شناختی از ضریب

آلفای کرونباخ استفاده گردید که برای کل آزمودنی‌ها ۰/۷۶ به دست آمد که کاملاً ضریب قابل قبولی است. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ پرسشنامه سخت رویی در کل نمونه به دست آمد. در زمینه اعتبار یابی آزمون مزبور از روش اعتبار ملاکی هم‌زمان استفاده نمود و این پرسشنامه را هم‌زمان با چهار پرسشنامه اضطراب عمومی ANQ، پرسشنامه افسردگی اهواز ADI، پرسشنامه خود شکوفایی مازلو MASAI و مقیاس سازه‌ای سرسختی به دو روش تصنیف و آلفای کرونباخ به کار برد که ضریب همبستگی بین نمره‌های کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۵۵، ۰/۷۰ و ۰/۴۴ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. همچنین ضریب همبستگی خود شکوفایی ۰/۶۵ بوده است. بین اعتبار سازه‌ای سرسختی و مقیاس سرسختی همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنی‌دار بود. (کیامرثی و همکاران، ۱۳۷۷). بنابراین با توجه به استاندارد بودن پرسشنامه و تحقیقات فراوانی که درباره آزمون سخت رویی صورت گرفته، همگی از اعتبار بالای این آزمون حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که یکی از بهترین ابزارهای سنجش سرسختی در افراد است.

۲) پرسشنامه راهبردهای کنترل حل تعارض^۱: مقیاس راهبردهای، یک ابزار ۱۵ سؤالی است که برای سنجش سه تاکتیک حل تعارض (استدلال، خشونت کلامی و خشونت فیزیکی) بین اعضای خانواده توسط موری و اشتراس^۲ در ۱۹۹۰ تدوین شده است. پرسش‌های مقیاس الگوهای حل تعارض گویای رفتارهایی است که فرد در شرایط تعارض با اعضای خانواده به آن‌ها دست می‌زند و نمرات آن تعداد دفعاتی است که رفتار موردنظر در سال گذشته رخ داده است. پاسخ‌دهنده تعداد دفعات بروز هر رفتار توسط خودش را ارزیابی می‌کند. نمرات مزمن بودن الگوهای تعارض که کاربرد بالینی دارد، با جمع نمرات پرسش‌ها به دست می‌آید. نمرات زیر مقیاس ((استدلال)) در هر یک از مقیاس‌های ((الگوهای تعارض)) از پرسش‌های A تا E به دست می‌آید. نمرات ((پرخاشگری کلامی)) با جمع پرسش‌های F تا J و ((پرخاشگری فیزیکی)) با جمع پرسش‌های K تا O به دست می‌آید. دامنه نمرات ۰ تا ۱۵ است که نمرات

¹ inventory control styles of conflict resolution

² Murray & Strauss

بالتر به معنی استفاده بیشتر از یک تاکتیک بخصوص است. دامنه‌ی ۱۲ ضریب آلفا برای زیر مقیاس استدلال از ۰/۴۲ تا ۰/۷۶ است. برای زیرمقیاس های پرخاشگری کلامی ۱۶ ضریب آلفا موجود است که دامنه‌ی آن‌ها از ۰/۶۲ تا ۰/۸۸ است. برای زیر مقیاس پرخاشگری فیزیکی ۱۷ ضریب آلفا موجود است که دامنه‌ی آن‌ها از ۰/۴۲ تا ۰/۹۶ است. روایی تاکتیک‌های تعارض بارها مورد تأیید قرار گرفته است. اول‌ازهمه این‌که چندین کار تحقیقی ساختار عواملی استدلال، پرخاشگری کلامی پرخاشگری فیزیکی را تأیید می‌کنند. توافق اعضای مختلف خانواده در مورد تاکتیک‌های تعارض گواه بر روایی هم‌زمان است. همچنین اطلاعات زیادی درباره‌ی روایی سازه در اختیار است که از آن جمله‌اند همبستگی بین نمرات ((تاکتیک‌های تعارض)) و عوامل ریسک خشونت خانواده، رفتارهای ضداجتماعی کودکان قربانی، سطوح محبت بین اعضای خانواده و عزت‌نفس. روایی محتوایی این مقیاس در پژوهش پریسا زابلی (۱۳۸۳) نیز مورد تأیید قرار گرفته است (ثنایی، ۱۳۸۷).

۳) آزمون سردمزاجی عاطفی: در این پژوهش از آزمون سردمزاجی عاطفی رازقی (۱۳۸۷) استفاده شد. این پرسشنامه ۲۲ سؤال ۵ ارزشی (همیشه ۴، بیش‌تر اوقات ۳، بعضی اوقات ۲، به‌ندرت ۱، هرگز ۰) دارد. حداقل و حداکثر این آزمون بین ۰ تا ۸۸ بود. افرادی که نمره بالاتر از ۴۰ به دست آورند سردمزاجی عاطفی بیشتری احساس می‌کنند. برای بررسی سازه آزمون از مدل تحلیل آماری با روش تحلیل مؤلفه های اصلی استفاده شد و با توجه به اینکه مقیاس موازی برای بررسی و محاسبه روایی ملاکی این مقیاس تدوین شده در پرسشنامه در دست نبوده است، برای تعیین روایی این مقیاس نیز از روش تحلیل عاملی استفاده شد. برای بررسی پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که ضرایب برای پرسشنامه ۰/۹۰ برآورد شد (رازقی و همکاران، ۱۳۸۷). برای تجزیه و تحلیل داده‌های آماری از روش توصیفی و استنباطی استفاده می‌شود در این راستا در بخش توصیفی از مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و جداول و نمودارهای مربوطه و در سطح استنباطی از آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای راهبردهای کنترل تعارض، سخت رویی و سردمزاجی عاطفی زوجین

متغیر	شاخص‌های آماری آزمودنی‌ها	میانگین	انحراف معیار	تعداد
راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض	مردان	۳۱/۶۸	۶/۸۶	۱۰۰
	زنان	۳۳/۸۴	۷/۰۵	۱۰۰
	کل	۳۲/۶۰	۶/۷۵	۲۰۰
راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض	مردان	۲۳/۸۶	۵/۲۴	۱۰۰
	زنان	۲۱/۲۸	۶/۸۴	۱۰۰
	کل	۲۲/۶۵	۵/۴۶	۲۰۰
راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض	مردان	۲۵/۲۷	۴/۸۴	۱۰۰
	زنان	۲۲/۷۳	۴/۰۱	۱۰۰
	کل	۲۳/۹۶	۴/۷۱	۲۰۰
سخت رویی	مردان	۷۶/۷۳	۸/۸۵	۱۰۰
	زنان	۷۵/۸۷	۸/۲۳	۱۰۰
	کل	۷۶/۳۰	۸/۵۴	۲۰۰
سردمزاجی عاطفی	مردان	۳۹/۶۲	۵/۰۷	۱۰۰

۱۰۰	۶۹/۰۱	۴۱/۳۶	زنان
۲۰۰	۵/۰۴	۴۰/۹۹	کل

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار نمره متغیرهای راهبردهای کنترل تعارض، سخت رویی و سردمزاجی عاطفی زوجین را نشان

می دهد.

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده بین راهبردهای (استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی) کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین

متغیر ملاک	شاخص آماری متغیر پیشین	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
سردمزاجی عاطفی	راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض	-۰/۴۸	۰/۰۰۰۱	۲۰۰
	راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض	۰/۲۹	۰/۰۰۰۱	
	راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض	۰/۳۱	۰/۰۰۰۱	

همان طوری که در جدول ۲ مشاهده می شود بین راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($r = -0.48$ و $p < 0.0001$). به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی در آنان کمتر خواهد بود. بین راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد ($r = 0.29$ و $p < 0.0001$). به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی نیز در آنان بیشتر خواهد بود. بین راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی

عاطفی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد ($p < 0/0001$ و $r = 0/31$). به عبارت دیگر، هر اندازه راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی نیز در آنان بیشتر خواهد بود.

جدول ۳ ضرایب همبستگی ساده بین سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین

متغیر ملاک	شاخص آماری	ضریب همبستگی متغیر پیش بین (r)	سطح معنی داری (p)	تعداد نمونه (n)
سردمزاجی عاطفی	سخت رویی	-0/53	0/0001	200
	سخت رویی در زمینه تعهد	-0/49	0/0001	
	سخت رویی در زمینه کنترل	-0/55	0/0001	
	سخت رویی در زمینه مبارزه جویی	-0/51	0/0001	

همان طوری که در جدول ۳ ارائه شده است بین سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی و معنی داری مشاهده می شود ($r = 0/53$ و $p < 0/0001$)؛ به عبارت دیگر بر اساس یافته های تحقیق می توان اذعان داشت که هر چه میزان سخت رویی زوجین بالاتر باشد، سردمزاجی عاطفی کمتری را دارند.

جدول ۴ رگرسیون چندگانه متغیرهای پیش بین راهبردهای حل تعارض (استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی) و سخت رویی سردمزاجی عاطفی زوجین با روش ورود هم زمان

متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	F	p	β	t	p	روزی
راهبرد استدلال جهت حل تعارض	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۱/۳۶	۰/۰۰۰۱	-۰/۳۱	-۷/۲۴	۰/۰۰۰۱	«ورود»
راهبرد پرخاشگری کلامی جهت حل تعارض					۰/۲۴	۴/۲۸	۰/۰۲۱	
راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت حل تعارض					۰/۲۲	۳/۷۸	۰/۰۳۵	
سخت رویی					-۰/۳۴	-۸/۵۴	۰/۰۰۰۱	

همان‌طوری که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، رگرسیون پیش‌بینی سردمزاجی عاطفی زوجین از روی متغیرهای و راهبردهای حل تعارض (استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی) و سخت رویی معنی‌دار است ($F=21/36$ و $p<0/0001$). متغیر سخت رویی با ضریب بتای ۰/۳۴ و متغیر راهبرد استدلال جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۳۱ می‌توانند به‌طور منفی و معنی‌داری متغیر راهبرد پرخاشگری کلامی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۴ و متغیر راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۲ می‌توانند به‌طور مثبت و معنی‌داری سردمزاجی عاطفی زوجین را پیش‌بینی کنند. همچنین، مقدار R^2 نشان می‌دهد ۳۷٪ از واریانس سردمزاجی عاطفی زوجین توسط متغیرهای یادشده تبیین می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

نتایج نشان داد بین راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد استدلال جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی در آنان کمتر خواهد بود. بین راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه مثبت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد پرخاشگری کلامی جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی نیز در آنان بیشتر خواهد بود. بین راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی نیز در آنان بیشتر خواهد بود. بین راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر، هراندازه راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت کنترل تعارض بیشتر باشد، سردمزاجی عاطفی نیز در آنان بیشتر خواهد بود. در تبیین این نتیجه می توان گفت که خانواده، مؤلفه بسیار مهم و بارز در حیات انسان تلقی می گردد. خانواده یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می دهد. به واسطه تشکیل خانواده مرد و زن از طریق یک نیروی ناشی از غرایز آیین محبت و عشق به هم جذب می شوند، به طور آزادانه و کامل متعهد یکدیگر شده تا واحد پویایی را به عنوان خانواده ایجاد نمایند. به این دلیل خانواده تنها نظام اجتماعی است که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده است. خانواده محیطی مقدس، باصفا و به زیباترین تعبیر قرآنی، سکون و آرامش واقعی است. آنچه در خانواده مهم است، سازگاری زناشویی و رضایت ازدواج است. رضایت زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تأثیر می گذارد. در واقع سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدین را تسهیل می کند، عمر زن و شوهر را زیاد می کند، باعث افزایش سلامتی، توسعه اقتصادی، رضایت بیشتر از زندگی، کاهش مشکلات روان شناختی، مدیریت بهتر تعارض، مهارت های بهتر ارتباطی و کنترل مسئله، مهارت های بهتر کنترل تعارضات می شود. تعارض فرایند ادراک و یا احساس

هرگونه ناسازگاری در درون فرد یا بین افراد، گروه‌ها و سازمان‌هاست که منتهی به رفتار پنهان و یا آشکار متعارض در فرد و یا گروه می‌گردد (آقایار و رستمی، ۱۳۸۹).

چیزی به‌عنوان رابطه‌ی بدون تعارض وجود ندارد. تعارض و اختلاف بخشی از زندگی است و به‌عنوان واقعیت هر رابطه‌ی وجود دارد و ضرورتاً بد نیست. در حقیقت، یک رابطه‌ی که در ظاهر بدون تعارض است، ممکن است ناسالم‌تر از یک رابطه‌ی همراه با تعارضات و اختلافات مکرر باشد. اختلافات یا تعارضات، رویدادهای انتقادی هستند که می‌توانند رابطه را تضعیف یا تقویت کنند. تعارضات می‌توانند سودمند، موجب درک عمیق‌تر و نزدیکی و احترام بیشتر بین زن و مرد نسبت به یکدیگر شوند؛ اما درعین‌حال می‌توانند مخرب، موجب آزرده‌گی، خصومت و سردمزاجی نیز شوند. الگوهای کنترل تعارض بیان می‌کنند که با تعارضات به وجود آمده چگونه باید برخورد شود. به‌عبارت‌دیگر مدیریت تعارض عمل‌شناسایی و اداره تعارض با یک شیوه معقول، عادلانه و کار است. به‌طورکلی پنج روش پاسخگویی به تعارض وجود دارد که از آن‌ها به‌عنوان سبک‌های مدیریت تعارض یاد می‌شود و معمولاً هر فرد در یکی از این سبک‌ها غالب است. از دیدگاه سکستون^۱ (۲۰۰۶) تعارض هنگامی رخ می‌دهد که چیزی رضایت را برای شخص فراهم کرده، درحالی‌که همان چیز برای دیگری محرومیت را به دنبال آورد. درمانگران سیستمی، تعارض را هر نوع تنازع بر سر تصاحب پایگاه‌ها و منابع قدرت که در جهت اخذ امتیازات دیگری و افزایش امتیازات خود بروز می‌کند، می‌دانند. بدیهی است که طرفین نزاع قصد دارند به‌طرف مقابل خود آسیب برسانند، راهبردهای او را خنثی و بالاخره از صحنه بیرون کنند. بنابراین وجود تعارض زناشویی ناشی از واکنش نسبت به تفاوت‌های فردی است و گاهی اوقات، آن‌قدر شدت می‌یابد که احساس خشم، خشونت، کینه، نفرت، حسادت و سوء رفتار کلامی و فیزیکی در روابط زوجین حاکم می‌شود و به شکل حالات تخریب‌گر و ویران‌گر بروز می‌کند. در تعارض سازنده تمرکز بر کنترل مسئله بوده و در آن نزدیکی، احترام مثبت، اعتماد به یکدیگر وجود ندارد و

^۱ Sexton

هیجان منفی و پاسخ کلامی اندکی بین زوجین وجود دارد. در همدیگر را به جای مسئله مورد حمله قرار می دهند. در این تعارض از «خود» تعارض مخرب زوجین طریق سرزنش و انتقاد، هر یک سعی دارند دیگری را تحت نفوذ خود در آورده و اظهار نظرهای بسیار منفی علیه یکدیگر به کار می برند که در این حالت ارتباط درستی بین آنها برقرار نمی شود. در این نوع ارتباط بحث و مجادله های بیهوده و مخرب، بی اعتمادی، بی احترامی، توهین، خصومت، دشمنی و دشنام مشاهده می گردد. بنابراین می توان گفت تعارض زناشویی عبارت است از نوعی ارتباط زناشویی که در آن رفتارهای خصومت آمیز مثل توهین، سرزنش، انتقاد و حمله فیزیکی وجود دارد و زوجین در آن نسبت به یکدیگر احساس کینه، نفرت و خشم داشته و هر یک عقیده دارند که «همسرش انسان نامطلوب و ناسازگاری است که موجب رنجش و عذاب او می گردد» (فرحبخش، ۱۳۸۷). به طور کلی تعارض در هر رابطه نزدیکی اجتناب ناپذیر است. بعضی از زوجین تعارض خود را به شکل باز مستقیم و بعضی دیگر تعارضشان را انکار و سرکوب می کنند و به شکل پنهانی بروز می دهند. تقریباً هر زوجی که برای درمان می آید در کنترل های از تعارض قرار دارد. آنها ممکن است موضوعات مختلفی مثل انتظارات، نیازها، خواسته ها، پول، ارتباط جنسی، بچه ها و خویشاوندان را برای تعارضشان عنوان کنند. در زمینه تأثیرات مخرب تعارض پژوهش های زیادی صورت گرفته که حاکی از آن بودند که وجود تعارض زناشویی بر بهداشت روانی، جسمی و خانوادگی تأثیرگذار است. تحقیقات دیگر رابطه تعارضات زناشویی را با افسردگی، اختلالات خوردن و بیماری های خاصی مثل سرطان و بیماری های قلبی اثبات کردند. در واقع رفتارهای خصمانه در طی تعارض، با تغییرات دستگاه ایمنی بدن در ارتباط است (فینچام، بیچ^۱، ۲۰۱۲). از لحاظ روانی، اکثر افراد وجود تعارض در روابط زناشویی را بی نهایت تنش زا تجربه می کنند. تعارض زناشویی به عنوان یک فاکتور خطرناک در ایجاد اختلالات فرزندان و یک پیش بینی کننده مهم مسائل سازگاری در آنان است، در نهایت طلاق

¹ Fyncham, Beach

یکی از پیامدهای اختلافات زناشویی و یکی از پراسترس ترین وقایع زندگی محسوب می شود و با اختلالات جسمی و روانی در ارتباط است (افخمی، بهرامی و فاتحی زاده، ۱۳۸۶).

تعارض کلامی اگر سازنده باشد، نه تنها قابل پذیرش، بلکه مطلوب است. طبق گفته های آنها، زوج هایی که باهم می جنگند، در کنار هم می مانند، زیرا می دانند که چطور با یکدیگر معقولانه تر بجنگند. زوج هایی که نمی جنگند و بنابراین مسائلشان را کنترل نمی کنند، ممکن است از نظر هیجانی از یکدیگر فاصله بگیرند. زمانی که همسران از تعارض و احساسات همراه با آن مثل خشم، حسادت، تنفر، برای توجه به جنبه هایی از رابطه شان که نیاز به تأمل و کار دارد، استفاده کنند، این تعارض می تواند پشتیبان آنها باشد. اگر همسران روش سازنده ای را برای مقابله با تعارض، به کار نگیرند، ممکن است به تدریج از یکدیگر جدا شوند. سناریوی طلاق یک معرکه ناگهانی نیست، بلکه فقدان تدریجی صمیمیت و نزدیکی است. به طور خلاصه ترس از تعارض و احساسات همراه با آن می تواند منجر به عدم درگیری در مسائل و عدم درگیری در مسائل می تواند منجر به طلاق هیجانی و نهایتاً طلاق قانونی شود. این رویکرد، زوجها را تشویق می کند که در مورد مسائلشان، به طور باز و صریح گفتگو کنند و از نادیده گرفتن آنها با این فرض که به مرور زمان کنترل می شوند، امتناع ورزند. چگونگی مقابله با تعارض همچنین از این نظر می تواند اهمیت داشته باشد که در خرسندی و ناخرسندی افراد از ازدواجشان تأثیر معنی داری دارد.

بنابراین احساس رضایت از همدیگر یکی از نشانه های زندگی خوب و خوشبختی زوجین است. این احساس رضایت می تواند شامل سازگاری زناشویی، رضایت از اخلاق و رفتار، رضایت از شیوه برخورد و نوع زندگی و رضایت ظاهری از طرف مقابل باشد در واقع اگر کسی در زندگی خودش به این تفکر برسد که انتخاب خوبی را داشته است، می توان گفت که وی خوشبخت بوده و زندگی خوبی را دارا است. بسیاری از جوانان احساس رضایت از ظاهر طرف مقابل را فراموش می کنند و سعی می کنند تا فقط از نحوه برخوردی فرد مقابل خود را تحت تأثیر قرار بدهند، اما نباید فراموش کرد در هر سنی از زندگی خود هستیم حتی در میان سالی

باید خود را برای خود خوب و جذاب جلوه دهیم. بسیاری از خیانت‌هایی که در سنین بالا انجام می‌شود به همین دلیل است که فرد موردنظر از لحاظ ظاهری از همسر خود راضی نبوده و همسر وی در واقع به خود نمی‌رسد.

نتایج نشان داد بین سخت رویی با سردمزاجی عاطفی زوجین رابطه منفی و معنی‌داری مشاهده می‌شود؛ به عبارت دیگر بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان اذعان داشت که هر چه میزان سخت رویی زوجین بالاتر باشد، سردمزاجی عاطفی کمتری را دارند. در تبیین این یافته بایستی گفت که در عصر حاضر به دنبال تغییرات سریع اقتصادی و اجتماعی، اساس روابط زناشویی و خانواده تا حدی ضعیف شده است. ضعیف شدن روابط زناشویی، باعث تضعیف ازدواج، روابط و ناهنجاری‌های درون خانواده می‌شود و همین امر باعث به هم خوردن روابط خانواده‌ها و در نهایت بروز انحرافات کوچک و بزرگ، درون خانواده‌ها شده است. سرسختی روان‌شناختی نه فقط در سلامت جسمانی و روانی بلکه در ابعاد دیگری از قبیل حل مشکلات خانوادگی و زناشویی تأثیرگذار است. از طرف دیگر چن^۱ (۲۰۰۶) معتقد است که سرسختی می‌تواند به عنوان یک عامل کلی جهت مقابله با پیامدهای نامطلوب بهداشتی مورد استفاده قرار گیرد. در هم این رابطه نتایج مطالعه موری^۲ (۲۰۰۹) نیز حاکی از این است که افراد دارای سطوح پایین سرسختی برای ابتلا به ویژگی‌های شخصیتی ناسالم و آشفتگی‌ها روانی تمایل بیشتری دارند. سرسختی روان‌شناختی به عنوان یک ویژگی مثبت نقش مؤثرتری در سلامت روانی افراد بازی می‌کند. فرد سازگار و سالم از نظر شخصیتی و روانی، فردی است که صفات و ویژگی‌های گوناگون او با یکدیگر در تعامل و ارتباطند. بنا به عقیده هاریس^۳ (۲۰۱۱) سلامت روان یعنی داشتن هدف نهایی کمال و تحقق نفس، داشتن کنترل بر عواطف و احساسات، پذیرفتن اشکالات و کوشیدن در حد توان برای حل آن‌ها، شواهد و سوابق پژوهشی نیز نشان

1 Chen
2 Murray
3 Harris

می‌دهد که سرسختی روان‌شناختی می‌تواند سنجش قابل پیش‌بینی از سلامت روانی به حساب آید. ولیپ ویلیامز^۱ (۱۹۹۲) مدل مفهومی ارتباط سخت رویی، استرس سلامتی را بر مبنای یک دیدگاه روان-فیزیولوژیک اجتماعی ارائه کردند. بر اساس این مدل، ارزیابی تهدیدآمیز یک رویداد و پاسخ‌های مقابله‌ای بی‌ثمر، عامل افزایشی برانگیختگی فیزیولوژیک و این برانگیختگی فیزیولوژیک منفی و آسیب‌زا جلوگیری به عمل می‌آورد. پژوهش‌های مختلف در طول یک دهه و اندی، این مدل را تقریباً تأیید کرده‌اند اما هنوز در مورد جایگاه سرسختی روان‌شناختی در زمینه استرس و بیماری و به‌طورکلی یک زندگی کارا و بارور، به نتیجه قطعی رسید. عوامل شخصیتی دیگری وجود دارد که برخی از محققان در زمینه سلامتی و بیماری به آن‌ها توجه کرده‌اند. برای مثال جانسون و ساراسون^۲ (۱۹۷۹) بر عامل کنترل، نقطه مقابل ناتوانی تأکید کرده‌اند؛ اما با توجه به مطالعات ذکر شده باید گفت که این سازه، مؤلفه‌ای از سرسختی روان‌شناختی است و ارتباط میان آن با دو مؤلفه‌ی مبارزه‌جویی و تعهد گواه این امر است (احمدوند، ۱۳۸۷).

سرسختی روان‌شناختی، حالت تسریع‌کننده سلامتی است و تداوم آن‌ها به دنبال دارد. تحقیقات سرسختی روان‌شناختی البته به روی زندگی اجتماعی نشان داد که سطح بالایی از سرسختی روان‌شناختی، اثرات میانجی‌گرایانه به استرس داشته و با میزان پایین بیماری و افسردگی در ارتباط است. کوباسا در مطالعه‌ای پی برد که مردان بایست مدیریت و سرسختی روان‌شناختی بالا، دچار بیماری کنترل‌شده از سلامتی بیشتری برخوردارند، علی‌رغم اینکه در برابر زندگی، در مدیریت، با وقایع استرس‌زا مواجهه هستند یافته‌ها نشان داد که افراد با سرسختی روان‌شناختی پایین، بیشتر تحت تأثیر اثرات منفی استرس هستند.

نتایج نشان داد رگرسیون پیش‌بینی سردمزاجی عاطفی زوجین از روی متغیرهای و راهبردهای حل تعارض (استدلال، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی) و سخت رویی معنی‌دار است. متغیر سخت رویی با ضریب بتای ۰/۳۴ و متغیر راهبرد استدلال جهت

1 Willams
2 Sarason

حل تعارض با ضریب بتای ۰/۳۱ می‌تواند به‌طور منفی و معنی‌داری متغیر راهبرد پرخاشگری کلامی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۴ و متغیر راهبرد پرخاشگری فیزیکی جهت حل تعارض با ضریب بتای ۰/۲۲ می‌تواند به‌طور مثبت و معنی‌داری سردمزاجی عاطفی زوجین را پیش‌بینی کنند. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که خانواده جوهره‌ای زنده و در حال تغییر است که با استفاده از اعضای خویش و در جریان ارتباطی دائمی، تعاملی و طرح‌دار با یکدیگر یک کل را سازمان‌دهی می‌کند و در طول زمان و مکان گسترش می‌یابد. خانواده را می‌توان یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط درهم‌تنیده‌ای دانست که از پیوند زناشویی زن و مرد بنانهاد می‌شود و رضایت یک فرد از زندگی زناشویی به‌منزله رضایت وی از خانواده محسوب می‌شود و رضایت از خانواده به مفهوم رضایت از زندگی بوده و در نتیجه تسهیل در امر رشد و تعالی و پیشرفت مادی و معنوی جامعه را دربر خواهد داشت. می‌توان رضایت زناشویی را به‌عنوان یک موقعیت روان‌شناختی در نظر گرفت که خودبه‌خود به وجود نمی‌آید بلکه مستلزم تلاش هر دو زوج است، به‌ویژه در سال‌های اولیه رضایت زناشویی بسیار بی‌ثبات است و روابط در معرض بیشترین خطر قرار دارند. در صورت توجه به عوامل رضایت زناشویی می‌توان انتظار داشت که با افزایش سطح سازگاری و بهداشت روانی بسیاری از مشکلات روانی، عاطفی و اجتماعی کاهش یابد. با ارتقاء سطح رضایتمندی زناشویی و رضایت از زندگی، افراد جامعه با آرامش خاطر بیشتر به رشد و تعالی و خدمات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... خواهند پرداخت و خانواده‌ها نیز از این پیشرفت سود خواهند برد. تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که رضایت از زندگی زناشویی بر سلامت روانی و جسمانی افراد تأثیر مهمی دارد (کالیچ و ماهلر^۱، ۲۰۰۴، به نقل از مهدویان، ۱۳۸۶). همچنین نتایج تحقیقات اولسون و همکاران (۲۰۰۶) حاکی از آن است که رضایت افراد از ازدواجشان با رضایت از زندگی خانوادگی ۷۰٪ و با رضایت از زندگی به‌طور کلی ۶۷٪ همبستگی دارد. رضایت زناشویی تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل متفاوت است که هیچ‌یک به تنهایی برای ایجاد سازگاری کافی نیست (البته این عوامل می‌تواند در زوج‌ها و فرهنگ‌های

¹ Kalich & Mahler

مختلف، متفاوت باشد) این عوامل متعدد شخصیتی، فرهنگی، اعتقادی، شناختی، ارتباطی، عاطفی، اجتماعی و ... در سازگاری زناشویی مؤثر هستند.

رضایت زناشویی برون سازی زن و شوهر با یکدیگر، در هر مقطعی از زمان است و فرایندی است که در طول زندگی زن و شوهر به وجود می آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد الگوهای مراوده‌ای است. سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. در واقع سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدین را تسهیل می‌کند، عمر زن و شوهر را زیاد می‌کند، باعث افزایش سلامتی، توسعه اقتصادی، رضایت بیشتر از زندگی، کاهش مشکلات روان‌شناختی، مدیریت بهتر تعارض، مهارت‌های بهتر ارتباطی و کنترل مسئله، مهارت‌های بهتر کنترل تعارضات می‌شود. یافته‌های این پژوهش با یافته‌های مشابه در این زمینه همخوانی دارد. کرچلر (۲۰۱۱) در پژوهش خود دریافت که زوجین خوشبخت به‌طور متوسط هر روز حدود هفت ساعت را باهم سپری می‌کنند، در حالی که زوجین ناراضی روزی پنج ساعت باهم هستند (به نقل از فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۹۱). علاوه بر این زوجین خوشبخت زمان بیشتری را نسبت به زوجین ناراضی به صحبت کردن با یکدیگر و بحث درباره موضوعات شخصی سپری کرده و مدت زمان کمتری در تعارض زناشویی به سر می‌برند. مطالعه گاتمن (۲۰۱۰) نیز نشان داد که رفتار غیرکلامی بهتر از رفتار کلامی می‌تواند زوجین درمانده و غیر درمانده را از یکدیگر تفکیک کند. همچنین زوجین درمانده نسبت به زوجین غیر درمانده تمایل بیشتری برای ابراز متقابل عواطف منفی دارند نولر و فیتزپاتریک (۲۰۰۹) به نقش عامل دقت همسران در به رمز درآوردن و رمزگردانی پیام‌هایی که بین آن‌ها ردوبدل می‌شود در تفکیک زوجین خوشبخت و ناراضی از هم پرداخته و به این نتایج دست یافتند: زوجین درمانده در رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی همسرانشان در مقایسه با رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی افراد غریبه از دقت کمتری برخوردارند. این کمبود دقت در رمزگردانی پیام‌های غیرکلامی بیشتر در شوهران مشاهده می‌شود تا در زنان. عواطف منفی رو به افزایش در تعامل بین زن و شوهر ممکن است عامل مداخله‌گر در توانایی شوهر

برای رمزگردانی پیام‌های همسرش باشد و زن و شوهر در ازدواج‌های ناموفق نسبت به این امر که یکدیگر را درک نمی‌کنند، واقف نیستند. نولر و فیتزپاتریک (۲۰۰۹) معتقدند که کیفیت زندگی زناشویی برای آن دسته از زوجینی که تأکید بر اتکا و نزدیکی دارند با سطوح بالای در میان گذاشتن اطلاعات همبستگی دارد، درحالی‌که کیفیت زندگی زناشویی برای آن دسته از زوجینی که تأکید بر استقلال و دوری دارند به نحو مثبتی با اجتناب از تعارض و کشمکش همبستگی دارد.

منابع

- اشرفی، فریفته (۱۳۹۷). بررسی جامعه‌شناختی سردمزاجی عاطفی: مطالعه موردی منطقه ۶ تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم و تحقیقات تهران.
- بخشنده، سمیه (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین عشق و رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.
- بیاض، حسین (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین تیپ‌های شخصیت، سخت رویی، استرس و بیماری کرونرقلب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، منتشر نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام.
- سودانی، منصور؛ شهریاری، یونس؛ شفیق‌آبادی، عبدالله (۱۳۸۸). اثربخشی آموزش خانواده‌درمانی ساختی به شیوه گروهی بر کاهش تعارضات زناشویی زوجین ارجاعی به شعب شورای کنترل اختلاف شهرستان باغ‌ملک. *مجله یافته‌های نو در روانشناسی*، ۴(۱۲)، ۷-۲۵.
- شیری، زهرا (۱۳۹۶). *مهارت کنترل تعارض برای همسران*، ناشر: سازمان بهزیستی کشور.
- قادری، زهرا؛ تبریزی، مصطفی؛ احقر، قدسی (۱۳۸۸). اثربخشی خانواده‌درمانی ستیر بر تغییر راهبردهای مقابله با تعارض زناشویی. *مجله اندیشه و رفتار*، ۳(۱۱)، ۶۷-۷۶.

- قره‌باغی، فاطمه (۱۳۹۵). نقش تعارض زناشویی و رابطه‌ی والدین با کودک در نشانه‌های آسیب‌شناختی عاطفی و رفتاری کودک. *پژوهش‌های روانشناختی*. ۱۳(۱)، ۸۹-۱۰۸
- قمرانی، علی (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی عشق و رضایت از زندگی با رضایت زناشویی در دانشجویان زن متأهل دانشگاه خوارزمی، *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی*، سال اول، شماره ۴.
- Amato, G., Paul, R. (2015). A longitudinal study of marital problems and subsequent divorce. *journal of marriage and the family*, 595, 612-624.
- Baron, K.J., Smith.T.W., Butner, J., Nealey Moore, J., Hawkins, M.W., & Uchino, B.N. (2014). Hostility, anger and marital adjustment: Concurrent and prospective associations with psychosocial vulnerability. *Journal of Behavioral Medicine*, 30(1), 1-11.
- Boss, MP. (2010). Intimacy and quality of life among sexually dysfunctional men and women. *J Sex Marital Ther*, 23(4), 276-90.
- Bradbury, S. (2013). Prevalence of female sexual dysfunction symptoms and its relationship to quality of life: a *Japanese female cohort study*. *Urology*, 65(1), 143-8.
- Canary, H., Cupach, S. L. (2011).The Female Sexual Function Index (FSFI): a multidimensional self-report instrument for the assessment of female sexual function. *J Sex Marital Ther*, 26(2), 191-208.
- Cauchlin, G. E. (2016). Attachment orientations, sexual functioning, and relationship satisfaction in a community sample of women. *Journal of Social Personality Related*, 24(1), 21-35.
- Cttt aæe S 00000000eeextthyii a rrrrr rrrly aaaaaaiaaa ” rreeeeccy ff vaginal intercourse. *Archives of Sexual Behavior*, 32, 73-77.
- Cozzarelli, R. (2012). Relationships between rumination, worry, intolerance of uncertainty and metacognitive beliefs. *Personality and Individual Differences*, 46, 547-551.

- Cummings, E.M. (2012). Intimacy, libido, depressive symptoms and marital satisfaction in postpartum couples. *Doctoral Nursing Practice Dissertation*, Drexel university.
- Hartmann, U., Philippsohn, S., Heiser, K., Ruffer-Hesse, C. (2014). *Low sexual desire in midlife and older women: personality factors, psychosocial development, present sexuality*. Menopause, 11(6 Pt 2), 726-40.
- Kardoo, H. (2013). Quality of Life & Marital Burnout in the Australian engineering profession of respondents in dual-and single-earner couples, parents, and nonparents. *Journal of construction engineering and management*, 15, 39- 51.
- Krok, W. (2013). Commentary on sex research: Sex as an emotion. *Journal of Psychology & Human Sexuality*, 1(2), 3-15.
- Patterson, G.R., DeBaryshe, B., Ramsey, E. (2013). A Developmental Perspective on Antisocial Behavior, *American Psychologist*, 44, 329-335.
- Stafford, D., Shaver, P. R., Widaman, I. K. F., Vernon, M. L., Follette, W. C., & Beitz, K. (2013). Attachment satisfaction: Insecure attachment, inhibited sexual communication, and sexual dissatisfaction. *Personal Relationships*, 13, 465-483.
- Wood, W.Z., Roberts, D. F. (2011). *The Process & effects of Mass communication revised edition*, university of Illinois press.

The relationship between conflict and hard-of-control conflict management strategies with the emotional coldness of couples

Abstract

The purpose of the present study was to determine the relationship between conflict and hard-of-control conflict management strategies with the emotional coldness of couples in Sar-e-Pul Zahab city. The method of this research is descriptive correlational. The statistical sample of this study is a sample of 200 couples (100 couples) who are required to use the sampling method from the counseling centers of Sar-e-Pol-e Zahab city who were referred to the centers in 1398, based on their current status. Were selected. The instruments used in this research are Ahwaz hardiness questionnaire (1377), Mori and Strauss conflict resolution strategies (1990) and Razeghi emotional coldness (2008). The results of this study showed that there is a significant negative correlation between the reasoning strategy for controlling conflict with the emotional coldness of couples. There is a significant positive correlation between the verbal aggression strategy for controlling the conflict with the emotional coldness of couples. There is a significant negative correlation between physical aggression strategy to control conflict with emotional coldness of couples. There is a negative and significant relationship between hardiness and emotional coldness of couples. The rigidity variable with beta coefficient of 0.34 and the argument variable strategy for solving the conflict with beta coefficient of 0.31 can negatively and significantly affect the verbal aggression strategy for conflict resolution with a 0.24 beta coefficient and the physical aggression strategy variable for solving Conflict with beta coefficient of 0.22 can positively and significantly predict the emotional coldness of couples. Conclusion: In the endeavor, rapid economic and social changes, the basis of marital relations and the family have been somewhat weakened. The weakening of marital relationships weakens marriages, relationships and abnormalities within the family, and this leads to the collapse of family relationships and, eventually, small and large deviations within the families.

Key words: conflict control strategies, hardiness, emotional cold